



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فردا عید غدیر عیدی است که از همه اعیاد اعظم و مهم تر و پر برکت تر می باشد، مسئله غدیر خم یک مسئله تاریخی مقطعی نیست بلکه یک مسئله بسیار مهم سیاسی و فرهنگی و دینی و مذهبی است که بیان می کند بعد از انقضاء عصر نبوت امامت بجای نبوت می نشیند و تمام ارزش های وجود آمده را تداوم و حفظ و بیان می کند و در این روز بزرگ دین اسلام کامل می شود.

امام علی علیه السلام از جهات گوناگون برای امامت و حکومت بر جامعه اسلامی بر دیگران برتری داشته اند که ۳۰ مورد آن جمع آوری شده است. عصمت، نص و افضلیت، سه ویژگی خاص امام علی علیه السلام برای امامت می باشد.

ما در مسیر امامت به صورت استوار مانده ایم، امامت همانند نبوت امری جعل شده از سوی خداوند متعال است، افتخار ما این است که پیرو مکتب غدیر هستیم که باید آن را برای همگان تبیین کنیم.

حوزه باید فکر غدیر را با دلیل و برهان برای کل جهان تبیین کند، جامعه مدیر می خواهد و صفاتی دارد که آن ها اهل بیت علیهم السلام هستند، تا کنون هر وقت غیر ایشان کسی روی کار آمده نتیجه آن را دیده ایم که چه شده است، افتخار ما این است که شیعه چنین فکری دارد و از تفکر غدیر تبعیت می کند.

بچثمان در وقف بود، همان طور که عرض کردیم وقف بحث بسیار مهمی می باشد فقهاء ما وقف را در مورد اموال مطرح کرده اند اما در اخباری که بعدا خواهیم خواند می بینیم که اینطور نیست بلکه وقف این است که شخصی که در زندگی خودش احسان و خدمت داشته

بتواند آثاری (هنری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) از خودش بجا بگذارد که این آثار نیز خودش یک خدمتی می باشد مثل امام رضوان الله علیه که این حکومت را تاسیس کرد بنابراین وقف منحصر در اموال نیست و بحث بسیار وسیع و گسترده ای می باشد و این خودش یکی از شاهکارهای فقه اسلامی می باشد که وقف را به این وسعت و ترتیب بیان می کند.

عرض کردیم که فقهاء ما ادله اربعه را برای مشروعیت و جواز و فضیلت وقف بیان کرده اند، در کتاب و اجماع بحث کردیم و اما عقل را فقهاء ما اشاره کرده اند ولی دقیق چیزی در موردش ذکر نکرده اند البته ظاهرا مطلب روشن باشد زیرا عقل و مستقلات عقلیه همان درک حُسن و قبح است و همانطور که عقل قبح ظلم را درک می کند و ما نیز می گوئیم بین درک و حکم عقل و حکم شرع ملازمه وجود دارد، احسان نیز حسن می باشد و در بحث وقف نیز هرکسی وقف می کند یک احسانی انجام داده که عقل آن را می فهمد و "کلما حکم به العقل حکم به الشرع".

اما روایات ما در مورد وقف بسیار زیاد هستند منتهی قبل از ورود در روایات یک مطلبی را بیان می کنیم، فقهاء ما در باب وقف فرموده اند ما وقف و حبس داریم و در حبس نیز سُکُنِی و عُمری و رُقَبِی وجود دارد، در وقف فرموده اند کسی که مالی را وقف می کند از ملکش خارج می شود اما در سُکُنِی و عُمری و رُقَبِی از ملکش خارج نشده مثلاً اسبی را داده به کسی تا یک سال سوار شود این می شود رُقَبِی و یا خانه ای را داده تا یکسال در آن ساکن شود این می شود سُکُنِی و یا گاهی می گوید تا وقتی که زنده هستی در خانه من ساکن باشد که این می شود عُمری که تقریباً اینها شبیه عاریه هستند، خلاصه اینکه سُکُنِی و عُمری و رُقَبِی در بحث وقف ذکر شده اند ولی با وقف فرق دارند. خب و اما وارد بحث روایات می شویم که بسیار زیاد هستند منتهی ما می توانیم این روایات را دسته بندی کنیم:

اولین دسته روایاتی هستند که مربوط به اوقاف خود اهل بیت علیهم السلام می باشند و همچنین تاکید فراوانی بر وقف دارند که نکات زیادی از آنها برداشت می شود، علامه در جلد ۲۰ تذکره طبع جدید دارد که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان خودشان آنقدر درباره وقف تبلیغ کردند که تمام صحابه موقوفه داشتند یعنی هر کسی سعی کرد که یک موقوفه ای داشته باشد و این یک سنتی است که باید در میان مردم شیوع پیدا کند زیرا وقف یک خدمتی است که می تواند بعد از مرگ نیز به عنوان باقیات الصالحات باقی بماند، در ایران وقف خیلی زیاد بوده مرحوم آیت الله کاشانی رحمه الله علیه یک وقتی فرمودند ثلث ایران وقف است منتهی وقف نامه نداشتند و دولتها و دیگران موقوفات را گرفته و خورده و برده اند و الان یکی از کارهای اداره اوقاف باید همین باشد که موقوفات را شناسایی کند و ثبت و ضبط کند، خلاصه اینکه اولین دسته از روایات مربوط به موقوفات خود اهل بیت علیهم السلام و تاکید بر وقف می باشد مثلاً امام صادق علیه السلام وصیت می کند تا هفت سال بعد از من در منا برای من عزاداری شود و بعد حضرت اموالی را برای این کار وقف فرمودند و بعد خود حضرت می فرماید پدر من یعنی امام باقر علیه السلام نیز اموالی را وقف نمود که بعد از ایشان تا ده سال در منی برای ایشان عزاداری شود.

چند خبر از این دسته اول که بر وقف تاکید زیادی نیز دارند می خوانیم، این اخبار در جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی صفحه ۲۹۲ و در باب اول از کتاب وقوف و صدقات ذکر شده اند:

خبر اول: **عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلُ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا (این) دال بر حصر نیست**

بلکه نسبی است چون خود اهل بیت موارد فراوان دیگری را نیز ذکر کرده اند) ثلاث

**خصال: صدقة أجزاها في حياته فهي تجرى بعد موته، وسنة هدى سنّها فهي يعمل بها بعد موته، أو ولد صالح يدعو له<sup>۱</sup>.**

خبر سنداً صحیح است.

**نکته:** بحثی وجود دارد که آیا در وقف قصد قربت لازم است یا نه؟ نوع فقهاء من جمله محقق در شرایع می فرمایند قصد قربت لازم است زیرا وقف را از عبادات دانسته اند ولی امام رضوان الله علیه در تحریر الوسلیه می فرماید قصد قربت شرط نیست و این یک فتوائی است که بعداً باید مورد بررسی قرار بگیرد.

همان طور که می بینید در خبر وقف به عنوان یک سنت ذکر شده لذا معلوم می شود که فقط مربوط به اموال نیست بلکه یک سنت و طریقی است برای خدمت مثلاً حکومت اسلامی تشکیل داده و ولایت فقیه را مأمور کرده و یا موشکهای ساخته و امثال ذلک.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهرين

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۲۹۲، کتاب الوقوف والصدقات، باب اول، حدیث ۱، ط الإسلامیة.